

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«شورای عالی حوزه علمیه»

«مرکز مدیریت حوزه های علمیه خواهران»

«مدرسه علمیه حضرت حجت (ع)»

عنوان مقاله:

«عوامل فردی دین گریزی از منظر اسلام»

گرد آورنده:

«زهره خاتون ثابتی - هفتم پاره وقت»

«اسفند ۱۴۰۲ - سطح ۲»

عوامل فردی دین‌گزینی از منظر اسلام

زهرا خاتون ثابتی^۱

چکیده

یکی از برجسته‌ترین اقتضات ذاتی و گرایش‌های درون نهاد آدمیان، شناخت و گرایش به خدا و هدایت‌هایی است که خدای متعال برای تعالی و تکامل انسان، ارائه کرده است؛ به عبارت دیگر فصل‌میز انسان دینداری است. اساساً در دین الهی به اقتضاء طبیعت او اکراه نبوده است و اگر انسان‌ها به دریافت معارف دین و درک صحیح از حق نائل آیند، هرگز از دین نمی‌گریزند. افزون بر این عقل و عشق که دو رکن اساسی حیات انسانی بوده و همه جاذبه‌ها و دافعه‌ها بر اساس آن دو، رخ می‌دهد، هر دو در متن دین جای دارد و دین با هر دو گوهر باقی است. دین هم ذهن و هم خرد انسان را تغذیه می‌کند و هم به دل و عواطف آدمی حیات، حرکت، و نشاط می‌بخشد؛ بنابراین عوامل دین‌گزینی را باید در خارج از قلمرو دین حق و آموزه‌های دین جست‌وجو کرد. هدف از پژوهش حاضر بررسی و شناخت عوامل فردی دین‌گزینی از منظر اسلام است، تا مورد تذکر انسان قرار گیرد و تلاش شود، تا این موانع را در اخلاق، شخصیت و نفس خود رفع نماید. و راهی به سوی صراط مستقیم، سعادت دنیا و آخرت باز کند. روش پژوهش حاضر مبتنی بر رویکرد نقلی و حیانی و به روش گردآوری کتابخانه‌ای تنظیم شده است و از آنجایی که عوامل دین‌گزینی اقسامی دارد به جهت اختصار و رعایت اهمیت مسائل انسان‌ها، شماری از رایج‌ترین عوامل فردی موثر دین‌گزینی در اسلام همچون جهل به خود و خدا، شک و تردید، تکلف، رذایل اخلاقی همچون خودبینی، تعصب، غفلت... را بررسی می‌کنیم.

واژگان کلیدی: دین، دین‌گزینی، اسلام

^۱ طلبه سطح دو- هفتم پاره وقت

مقدمه

تاریخ بشر با دین آمیخته بوده است؛ زیرا دین یک نیاز فطری برای بشر است، زندگی انسان بدون دین غیر ممکن است، گرچه عده‌ای گمان باطل بر بی‌نیازی نسبت به دین دارند، ولی از آنجایی که عناصر فطری تغییر ناپذیر هستند، این توهم باطل بوده و در عالم خارج فرد را با مشکلات عدیده مواجه می‌کند. دین برنامه سعادت بشر است، دین استوار ترین ستون حیات مادی و معنوی و امنیت روانی آدمی است، که به او عزت و شرافت می‌بخشد و نور ایمان و اخلاص را در جاننش بر می‌افروزد و او را از زنجیرهای اسارت نابخردانه آزاد می‌سازد. دینداری، نهادینه کردن تعالیم و ارزشهای دین است و در همه ابعاد حیات آدمی ثمرات بیشماری دارد و در لباس یقین، صبر، تسلیم، رضا، راستی، حیا، انفاق و احسان..... جلوه می‌کند، اما پیوسته عواملی به صورت آفت‌ها، آسیب‌ها و موانع باز دارنده، فرا راه اندیشه و گرایش او به دین قرار می‌گیرد و زمینه دین‌گریزی فراهم می‌آید.

از نظر اسلام انسانها فطرت دینی دارند و گریز از دین، جریانی برخلاف فطرت است. مراد از فطری بودن دین این است: هر انسانی آنگاه که ازپیرایه‌ها و فشار عوامل خارجی رهایی یابد، در نهاد خویش متوجه نیرویی توانا و فراتر از قدرت مادی و محسوس می‌شود که خود و جهان، مقهور اوست و دیگر اینکه آموزهای دین الهی با ذات انسان سازگاری دارد، بنابراین گرایش دینی نیاز به علت جویی ندارد؛ بلکه باید به دنبال این بود که چرا بشر به بی‌دینی گرایش دارد.

در عصر جدید دین‌گریزی به صورت کم رنگ شدن ایمان در زندگی افراد جلوه گر است، وقتی در بین برخی از مردم از دین و اسلام سخن به میان می‌آید، بی‌میلی خود را به دین اظهار می‌کنند. تبیین این بحث در واقع پرداختن به بهداشت دین و دینداری است و بسیار مهم‌تر از بهداشت تن و روان است؛ زیرا دین با حقیقت انسان و وجوه مختلف زندگی وی پیوند دارد و بحرانهای ناشی از آسیب آن بسیار عمیق و گسترده است و می‌تواند به بحرانهای روحی فکری، اجتماعی و سیاسی بینجامد. از این رو شایسته است که موضوع دین‌گریزی در جهان امروز به ویژه جامعه ما به طور جدی بررسی و علت‌یابی شود، تا آگاهی و شناخت بیشتر در این زمینه به دست آید و انگیزها و عوامل آن به مخاطبان و مسئولان و متولیان امور دینی و خود انسان شناسانده شود، تا هر کس به میزان توان خود در راه زدودن آنها بکوشد و اقدامات لازم را انجام دهد.

اکنون جای این پرسش مطرح است: عوامل فردی دین‌گریزی از منظر اسلام چیست؟ دین‌گریزی در مقایسه با دیگر آسیب‌های اجتماعی اهمیتی در خور توجه دارد؛ زیرا نقش ویژه‌ای در پدیداری دیگر آسیب‌های اجتماعی دارد. در خصوص عوامل دین‌گریزی پژوهشهای بسیاری

به رشته تحریر در آمده است. ۱- دین‌گزیزی عوامل و راه حل‌ها در پرتو قرآن، محمد بهرامی، در این مقاله عواملی از جمله فقر و نداری، جهل، محیط ناسالم، شک و تردید و اجبار و خشونت را بیان می‌کند. ۲- عوامل و آثار دین‌گزیزی و راهکارهای مقابله با آن در تفاسیر علامه طباطبایی، آیت الله مکارم شیرازی، سید قطب و شیخ عبده، اثر: فرزند وحی، جمال، غلامی، عبدالله، قاسمی آذر، نشریه پژوهش‌های نوین در آموزه‌های قرآن و سنت در این اثر به بررسی عوامل فردی چون، جهل، هواپرستی، دنیاپرستی، غفلت، شیطان، فقر، محیط فاسد، خانواده، همنشینان ناباب، تبعات تهاجم فرهنگی پرداخته است. سپس آثار دین‌گزیزی بیان شده و راحل‌هایی ارائه شده با دیدگاه اندیشمندان اسلامی علامه طباطبایی، آیت الله مکارم، سید قطب، شیخ محمد عبده. ۳- دین‌گزیزی چرا، دین‌گزیزی چه سان؟، ابوالفضل ساجدی، انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی. در این کتاب پس از سخن از جایگاه رفیع تعلیم و تربیت دینی، از آسیب‌های مشترک مبنایی که می‌تواند این نظام را آلوده سازد، سخن به میان آمده است و سایر آسیب‌ها را به دو بخش آموزشی و پرورشی تقسیم کرده است. لیکن هیچ‌یک از آنها به تنهایی به عوامل فردی نپرداخته‌اند. لذا این نوشتار در صدد است که به این موضوع با عنوان عوامل فردی دین‌گزیزی از منظر اسلام بپردازد.

۱- مفهوم‌شناسی:

۱-۱. «دین» در معنای لغوی جمع آن ادیان است: اطاعت کردن، نافرمانی نکردن، پارسایی. اسم است، برای تمام آنچه که با آن خدا را می‌پرستند، ملت و مذهب سیرت و مرام، عادت، شأن، حال، اکراه و قهر و غلبه می‌گویند، «قوم الدین» یعنی مردم فروتن و خاضع. ^۱الدین: پرستش و پاداش و به طور استعاره درباره شریعت و اطاعت از شریعت، می‌گویند. خدای تعالی می‌فرماید: «یا اهل الکتاب لا تعلوا انی دینکم»^۲ که تشویقی است برای پیروی نمودن دین پیامبر اسلام (ص) که میانه و گزیده ادیان است، چنانکه فرموده: «لا اکراه فی الدین»^۳ یعنی در طاعت و پرستش که در حقیقت جز با اخلاص، و پاکدامنی ممکن نیست. در اخلاص هیچگاه اکراه و بی‌میلی نیست. خلیل بن احمد فراهیدی در العین برای واژه دین سه معنای جزاء، عادت و طاعت ذکر کرده است.^۴ ابن فارس در کتاب معجم مقاییس لغة معانی واژه‌هایی را که ریشه آنها از سه «حرف د- ی- ن» تشکیل شده، به یک معنای اصلی و کلی ارجاع می‌دهد و برای این واژه بیش از یک معنا را نمی‌پذیرد. به

^۱ لويس، معلوف، المنجد فی اللغة؛ ج ۱، ص ۴۵۱.

^۲ نساء، ۱۷۱.

^۳ بقره، ۲۵۶.

^۴ ابوالقاسم، حسین بن محمد، راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن؛ ج ۱، ص ۷۰۰.

^۵ فراهیدی، خلیل بن احمد؛ العین؛ ج ۸، ص ۷۳.

نظر وی معنای اصلی این واژه، «انقیاد» و «اطاعت» است؛ «قوم الدین» یعنی گروهی که مطیع و فرمان برند، به شهر، «مدینه» اطلاق می‌شود؛ زیرا فرمانروایان در آن اطاعت می‌شوند و اگر به عبد و أمه (برده و کنیز) اطلاق «مدین» و «مدینه» شده، بدان سبب است که کار و تلاش، آنها را منقاد و مطیع کرده است. روز قیامت را «یوم الدین» گفته‌اند، باز بدان سبب است که همه در آن روز مطیع، منقاد و فرمان بردارند،^۱ بنابراین دین به معنای اطاعت و انقیاد آمده است. در آیات قرآن نیز به این معنا به کار رفته است: «ولا یدینون دین الحق»؛ دین حق را نمی‌پذیرند و اطاعت نمی‌کنند. «کلا بل تکذبون به الدین»،^۲ بلکه رستاخیز را دروغ می‌انگارید؛ در اینجا دین به معنای روز جزا است. «وما جعل علیکم فی الدین من حرج»؛^۳ بر شما در انجام تکالیف دینی تنگی قرار نداده است؛ در اینجا دین در معنای حکم است. «یومئذ یوفیهم الله دینهم الحق»؛^۴ آن روز خداوند پاداش به سزای آن را تماماً می‌دهد، در این آیه دین در معنای کیفر است.

۱-۲. در معنای «اصطلاحی»، در بیشتر تعریف‌هایی که برای دین ذکر شده، مفهوم اعتقاد و عمل لحاظ شده است. این تعریف، با آیات قرآن و سایر کتاب‌های آسمانی، بیشتر سازگار است؛ زیرا رستگاری انسان از نگاه دین، در گرو دو چیز است: ایمان به خدا و جهان غیب و عمل صالح؛ یعنی دین، نه اعتقاد بدون عمل است و نه عمل بدون اعتقاد. دانشمندان اسلامی تعاریفی از دین ارائه داده‌اند، اینجا به ذکر دو مورد اکتفا می‌کنیم: الف) دین به معنای اعتقاد به آفریننده‌ای برای جهان و انسان و دستورات عملی متناسب با این عقاید می‌باشد.^۵ ب) دین مجموعه است شکل گرفته از معارف مربوط به مبدأ و معاد و قوانین اجتماعی (عبادات و معاملات) که از طریق وحی به نبوتی که صدق و درستیش با برهان ثابت گشته و نیز مجموعه‌ای از اخبار و احادیث راست و درستی که پیامبر آنها را باز می‌گوید؛^۶ بنابراین دین مجموعه احکام و دستوراتی است که پروردگار جهان برای رستگاری جامعه بشری بر پیامبران نازل کرده و اطاعت از این دستورها، بر همگان لازم است و برای آن پاداش اخروی منظور شده است، این دستورها، بر نوعی شناخت و اعتقاد به مبدأ هستی، انسان و معاد اتکا دارد.

^۱ ابوالحسن احمد بن فارس؛ معجم مقاییس اللغة؛ ج ۲، ص ۳۱۹.

^۲ توبه؛ ۲۹.

^۳ انفطار؛ ۹.

^۴ حج؛ ۷۸.

^۵ نور؛ ۲۵.

^۶ شکوهی، علی؛ عوامل و ریشه‌های دین‌گریزی از منظر قرآن و احادیث؛ ص ۳۵.

^۷ مصباح یزدی، محمد تقی؛ آموزش عقاید؛ ص ۱۱.

^۸ علامه طباطبایی؛ المیزان؛ ج ۱، ص ۳۴۱.

می پروراند، زیرا هر علمی برای خود سنجش خاصی دارد، و آزمایش فقط راستگوترین سنجش برای دانش‌های مادی است، نه مقیاس تمام دانستنی‌های انسان.^۱

ذهن بسیاری از افراد بیش از یک بعد ندارد، و هرگاه توجه وی به نقطه خاصی معطوف گردید، از توجه به نقاط دیگر محروم می‌گردد. غور در یک علم، و عدم توجه جز به مسائل حسّی و مادّی، اعتیادی به ذهن می‌بخشد که همه مسائل جهان را در آن قالب بریزد، و همواره خواستار آن می‌شود که به همه مسائل از آن رو نگرد، و همه مشکلات را از آن راه حل کند، و هرگاه حقیقتی و یا فرضیه‌ای با مقیاسی و سنجشی که ذهن به آن انس گرفته است، تطبیق نکند، کم کم در صحت آن تردید نموده. و سرانجام به انکار آن برمی‌خیزد و این حالت در بسیاری از متخصصان علوم که جز در یک علم تخصصی ندارند، و از علوم دیگر کاملاً بی‌اطلاع می‌باشند، کاملاً مشاهده می‌شود. دانشمندان اقتصادی می‌خواهند که همه مسائل اجتماعی و روانی و مذهبی و سیاسی را از راه اصول اقتصادی توجیه کند. دیپلمات‌های جهان محور همه نوع تحولات علمی، صنعتی، فلسفی و هنری را همان مسائل سیاسی پنداشته و با به هم بافتن آسمان و ریسمان، همه نوع نهضت‌ها را از راه اصول سیاسی تفسیر می‌نمایند. دانشمندان علوم طبیعی هم همه چیز را از پشت عینک قوانین مادّی مطالعه می‌کنند، و امور معنوی و مسائل ماوراء الطبیعی در نظر آنها کم ارزش و احياناً پنداری جلوه می‌کنند. کوتاه سخن اینکه گرایش به فلسفه حسّی و اینکه همه چیز را باید از طریق لمس و حس کشف کرد، موجب بروز افکار مادی‌گری در گروهی از دانشمندان گردید، و تصوّر موضوعات خارج از حدود زمان و مکان، برای کسی که سراسر عمر خود را در آزمایشگاه مصرف نموده است، بسیار مشکل و دشوار است خصوصاً در این مورد راهنما و رهبری نداشته باشد.^۲

۳-۹. عدم تعقل

علامه طباطبایی (ره) درباره علّت به کار نرفتن، واژه عقل در قرآن فرموده است: گویا لفظ عقل، به معنای امروزی از اسم‌های مستحدث بالغلبه است. به همین دلیل در قرآن به شکل اسمی استعمال نشده است. بسیاری از آیات برای وادار کردن و تحریض مخاطبان قرآن به اندیشیدن برای درک و فهم بیشتر و بهتر، و پذیرش سخن حق از غیر آن است. باید گفت هر کجا قرآن می‌فرماید: «أفلا يعقلون»؛ آیا عقلشان را به کار نمی‌بندند؟ یا می‌فرماید: «أفلا تعقلون»؛ آیا تعقل نمی‌کنید، با آیاتی که از ماده ی فکراستفاده کرده، هم مفهوم و هم معنا می‌باشد و همان درخواست را مطرح می‌کنند: «أفلا تدّكرون»؛ آیا فکر نمی‌کنید. اکنون به چند آیه که گویای مطلب فوق است، اشاره می‌شود: «كذالك يبين الله لكم الايات لعلكم تتفكرون»؛^۳ این چنین خداوند برای شما آیات را

^۱ سبحانی، جعفر؛ راه خداشناسی؛ ص ۳۱۸-۳۲۱.

^۲ سبحانی، جعفر؛ همان، ص ۳۲۱.

^۳ بقره ۲۱۹.

روشن می‌سازد، شاید اندیشه کنید. «کذلک یبین الایات لعلکم تعقلون»؛ این چنین خداوند برای شما آیات را روشن می‌کند، شاید که بیندیشید. ملاحظه می‌شود در هر دو، واژه، معنای مشترکی در نظر گرفته شده که از (عقل)، (فکر) برداشت می‌شود و آن درک کردن، تشخیص دادن شناخت سره از ناسره می‌باشد؛ لذا عقل در قرآن به معنای وسیله‌ای برای درست اندیشیدن و شناخت حق از باطل است، با توجه به مجموعه آیات قرآن درباره تعقل تفکر تدبّر انسان را به این سمت و سو می‌کشاند، از او می‌خواهد زندگی را بر اساس عقل و اندیشه بنا نهد تا بتواند خود را از ورطه هلاکت در دنیا و آخرت، برهاند.^۲

ده‌ها آیه و روایت وجود دارد که به بیان رابطه عقل و عقلانیت از یک سو و حقیقت یابی از سوی دیگر پرداخته‌اند. عقل در روایات اسلامی، چنین توصیف شده است: «پیامبر صلی الله علیه و آله: مَثَلُ الْعَقْلِ فِي الْقَلْبِ كَمَثَلِ السَّرَاجِ فِي وَسْطِ الْبَيْتِ»؛ عقل در دل، همانند چراغ در میان خانه است. پیامبر صلی الله علیه و آله: «إِنَّمَا يُدْرِكُ الْخَيْرُ كُلَّهُ بِالْعَقْلِ، وَ لَا دِينَ لِمَنْ لَا عَقْلَ لَهُ»؛ همه خوبی‌ها با عقل شناخته می‌شوند و کسی که عقل ندارد، دین ندارد. «پیامبر صلی الله علیه و آله: يَا عَلِيُّ الْعَقْلُ مَا اكْتَسَبَتْ بِهِ الْجَنَّةُ وَ طُلِبَ بِهِ رِضَى الرَّحْمَنِ»؛ ای علی! عقل چیزی است که با آن، بهشت و خشنودی خداوند مهربان به دست می‌آید.

^۱ نور؛ ۶۱.

^۲ طباطبایی؛ المیزان؛ ج ۲؛ ص ۳۹۶.

^۳ شیخ صدوق؛ علل شرایع؛ ج ۱؛ ح ۱؛ ص ۹۸۰.

^۴ حرانی، ابن شعبه؛ تحفة العقول؛ ص ۵۴.

^۵ شیخ صدوق؛ من لا یحضره الفقیه؛ ج ۴؛ ص ۵۷۶۲، ص ۳۶۹.

نتیجه گیری

جهل یکی از مهمترین عوامل دین گریزی است، انسان جاهل فریب هوا و هوس و غرور را می خورد، دنیا و آخرت خود را تباه می کند و در همه حال بازنده و زیانکار است. خودشناسی انسان را به خداشناسی سوق می دهد و بهترین اعمال خداشناسی است؛ زیرا آن کس که خدا را شناخت او را اطاعت و فرمانبرداری می کند. شک و شبهه دین انسان را تباه می کند؛ ایمان را باطل و بی ثمر می گرداند. غرور و خودبینی دو عامل مهم گناه و شکست و بدبختی است. کسی که خودش را در آنچه در حیطه علم او نیست به تکلف اندازد، کارش را تباه کرده آرزویش به جایی نمی رسند. غفلت سرچشمه بسیاری از معاصی است و سبب غرور انسان می شود، غافل سفر آخرت را به فراموشی سپرده و برای آن آماده نمی شود و مقدمات هلاکت خود را فراهم می سازد. تعصب بذر شر و بدی است، انسان را سست و او را به خطا می افکند، لجوج مدیریت و تدبیر ندارند؛ آغازش جهل پایشان پشیمانی است. تقلید از جاهل باعث گمراهی انسان و تباهی آخرت او می شود. تجربه و آزمایش درباره مسائل مادی صحیح است اما درباره موارد ماوراء الطبیعی حس و آزمایش راه به جایی نمی برد. خدا انسان را محدود آفریده و او نمی تواند، تمام صفات خدا را و اسرار غیب را درک کند؛ اگر چه در بسیاری آیات و روایات بر بکار گیری عقل تاکید شده است اما عقل به تنهایی برای سعادت دنیا و آخرت انسان کفایت نمی کند. بنابراین انسان برای اینکه به هدف آفرینش که کمال مطلق و سعادت است، برسد؛ باید حتماً یک برنامه جامع که پاسخگوی همه نیازهایش باشد و چراغ راه برای این دنیا و دنیای پس از مرگش باشد، داشته باشد و تنها برنامه کامل دین و شریعت صادر شده، از سوی خداوند، دین و حیانی است. کامل ترین دین پس از ادیانی که پیامبران اولوالعزم که همراه با کتاب آسمانی بودند، آورده اند، دین اسلام دین محمد (ص)، همراه با کتاب آسمانی آن قرآن می باشد. پس انسان برای رسیدن به کمال مطلق، سعادت دنیا و آخرت باید پیرو دین اسلام باشد، مطیع فرمان های شارع مقدس و کسب رضایت خداوند باید مجموعه عوامل فردی که در وجودش است و مانع از دین پذیری است را شناسایی کند و سپس به رفع این عوامل درونی و فردی اقدام کند و به دنبال شناخت آثار زیانبار آن باشد و راهکار رفع این موانع را بشناسد و اقدام کند، به زدودن آنها از نفس خود و مراقبت بر افکار و عقاید خود داشته باشد، در ابتدا، امر سخت است؛ اما به مرور زمان کار آسان می شود و خداوند هم توفیقاتش شامل حال انسان می شود، وقتی خداوند از انسان راضی گشت، انسان هم از خود و خدایش راضی می شود و پذیرش دین لذت بخش و آسان خواهد شد.

منابع.

قرآن.

نهج البلاغه.

- ۱- ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن حبه الله؛ شرح حدیدی؛ جلد ۱۰؛ مترجم: غلامرضا لایقی، بی جا، ناشر: کتاب نیستان، چاپ اول، ۱۳۹۰ ه.ش.
- ۲- ابوالحسن، احمد بن فارس بن زکریا؛ معجم مقاییس اللغة؛ جلد ۲، محقق: عبدالسلام محمد هارون، مکتب الاعلام اسلامی، بی جا، ۱۴۰۱ ق.
- ۳- بروجردی، محمد ابراهیم، تفسیر جامع؛ جلد ۷؛ نشر جلیل، مشهد، چاپ هفتم، ۱۳۸۰ ه.ش.
- ۴- تمیمی آمدی، عبدالواحد، غررالحکم و دررالحکم، ترجمه: محمدعلی انصاری، تصحیح: مهدی انصاری، مؤسسه انتشارات امام عصر، چاپ ۴، بیجا، ۱۳۸۵ ه.ش.
- ۵- جوادی آملی، عبدالله، تفسیر موضوعی قرآن کریم، مراحل اخلاق در قرآن، جلد ۱۱، مرکز نشر اسراء، چاپ چهارم، قم، ۱۳۸۲ ه.ش.
- ۶- جوادی آملی، عبدالله، تفسیر موضوعی قرآن کریم، معاد در قرآن، جلد ۴، نشر اسراء، چاپ دوم، قم، ۱۳۸۲.
- ۷- جوادی آملی، عبدالله، تفسیر موضوع قرآن کریم، فطرت در قرآن، جلد ۱۲، نشر اسراء، چاپ دوم، قم، ۱۳۷۹.
- ۸- جوادی آملی، عبدالله، تفسیر موضوعی قرآن کریم، صورت و سیرت انسان در قرآن، جلد ۴، نشر اسراء، چاپ دوم، قم، ۱۳۸۳.
- ۹- جوادی آملی، عبدالله، تسنیم، جلد ۳۸، محقق: سعید نید علی و حسین اشرفی، نشر اسراء، چاپ دوم، قم، ۱۳۹۵.
- ۱۰- حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، جلد اول، محقق: رضا الحسینی الجلالی، مؤسسه آل البيت الاحیا، تراث، قم، ۱۴۱۲ ق.
- ۱۱- _____، _____، وسائل الشیعه، جلد ۲۰، محقق: محمدرضا الحسینی الجلالی، مؤسسه آل البيت الاحیا تراث، قم، ۱۴۱۲ ق.
- ۱۲- حکیمی، محمدرضا، الحیاء، جلد ۱، مترجم: احمد آرام، ناشر: دلیل ما، تهران، ۱۳۸۴.
- ۱۳- حسن زاده آملی، حسن، معرفت نفس جلد ۱، انتشارات علمی و فرهنگی، بی جا، ۱۳۶۲.
- ۱۴- خوانساری، بارع جمال الدین محمد، شرح غررالحکم و دررالحکم، جلد اول، مصحح: میرجلال الدین حسینی ارموی، ناشر: دانشگاه تهران، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۶۶.
- ۱۵- رضوانی، اصغر، شرح چهل حدیث از حضرت مهدی (عج)، حوزه علمیه قم، چاپ دوم، ۱۳۸۴.
- ۱۶- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، ترجمه و تحقیق: غلامرضا خسروی حسینی، جلد ۱، ناشر: مرتضوی، تهران، ۱۳۸۳.
- ۱۷- سبحانی، جعفر، راه خداشناسی، ناشر: کتابخانه صدر، تهران، ۱۳۵۳.
- ۱۸- _____، _____، منشور جاوید، جلد ۱۳، مؤسسه امام صادق، قم، چاپ پنجم، ۱۳۸۰.
- ۱۹- سعدی، مشرف الدین، گلستان، نشر ققنوس، چاپ ۱۱، تهران، ۱۳۸۵.
- ۲۰- سجستانی، ابوداود، سنن ابی داود، جلد ۴، محقق: محمد محیی الدین عبدالحمید، مکتبه العصریه، صیدا، بیروت، بی تا.
- ۲۱- شکوهی، علی، عوامل و ریشه های دین گریزی از منظر قرآن و حدیث، دفتر تبلیغات اسلامی رضوی شعبه خراسان رضوی، چاپ چهارم، بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۴.
- ۲۲- شاکرین، حمیدرضا، پرسمان دین شناخت، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول، تهران، ۱۴۰۱ ق.
- ۲۳- طباطبایی، محمد حسین، تفسیر المیزان، جلد ۱، مترجم: محمد باقر، موسوی همدانی، انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، چاپ ۲۸، ۱۳۸۸.

- ۲۴- طباطبایی، محمد حسین، تفسیر المیزان، جلد ۱۰، مترجم: محمد باقر، موسوی همدانی، انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، چاپ ۲۸، ۱۳۸۸.
- ۲۵- _____، جلد ۲، مترجم: محمد باقر، موسوی همدانی، انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، چاپ ۲۸، ۱۳۸۸.
- ۲۶- _____، شیعه در اسلام، انتشارات اسلامی مدرسین حوزه علمیه قم، قم، چاپ ۱۹، ۱۳۸۵.
- ۲۷- فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، الطبعة الاولى، موسسه دارالهجره، دارالتعاریف، بیروت، ۱۴۰۱ ق.
- ۲۸- قمی، عباس، مفاتی الجنان.
- ۲۹- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، جلد ۶، مصحح: علی اکبر غفاری، محمد آخوندی، ناشر: دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ ۱۴، ۱۴۰۷ ق.
- ۳۰- _____، _____، جلد ۲، مصحح: علی اکبر غفاری، محمد آخوندی، ناشر: دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ ۴، ۱۳۶۵ ه. ش.
- ۳۱- _____، _____، جلد ۱، مصحح: علی اکبر غفاری، محمد آخوندی، ناشر: دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ ۴، ۱۳۸۸.
- ۳۲- کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، جلد، ترجمه: جواد مصطفوی، دفتر نشر فرهنگ اهل بیت.
- ۳۳- لوئیس، معلوف، المنجد فی اللغة، جلد اول، ترجمه: مصطفی رحیمی نیا، ناشر: صبا، تهران، ۱۳۸۶.
- ۳۴- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، جلد ۹۰، الامیره، بیروت، لبنان.
- ۳۵- _____، بحار الانوار، جلد ۶۱، الامیره، بیروت، لبنان.
- ۳۶- _____، بحار الانوار، جلد ۴۸، الامیره، بیروت، لبنان.
- ۳۷- موسوی، خمینی، روح الله، صحیفه نور، جلد ۵، نشر آثار امام خمینی، تهران، ۱۳۷۱.
- ۳۸- _____، آداب صلاة، نشر آثار امام خمینی، چاپ هفتم، تهران، ۱۳۷۸.
- ۳۹- مصباح یزدی، محمد تقی، آموزش عقاید، چاپ سوم، نشر: سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ سوم، ۱۳۷۹، بی جا.
- ۴۰- مصباح یزدی، محمد تقی، اخلاق در قرآن، جلد ۲، موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی، چاپ ۸، قم، ۱۳۸۷.
- ۴۱- محمدی ری شهری، میزان الحکمه، جلد ۲، دارالحديث، چاپ هفتم، قم، ۱۳۸۱.
- ۴۲- _____، میزان الحکمه، جلد ۴، دارالحديث، چاپ چهارم، قم، ۱۳۸۸.
- ۴۳- مکارم شیرازی، ناصر، اخلاق در قرآن، جلد ۲، انتشارات علی بن ابیطالب، قم، ۱۳۹۲.
- ۴۴- _____، تفسیر نمونه، جلد ۲۷، ناشر: دارالکتب الاسلامیه، چاپ ۳۶، تهران، ۱۳۸۷.
- ۴۵- مطهری، مرتضی، اسلام و مقتضیات زمان، انتشارات صدرا، چاپ اول، ۱۳۶۲، بی جا.
- ۴۶- _____، مجموعه آثار یادداشت‌های مرتضی مطهری، جلد ۱، صدرا، قم، چاپ ۱۳، ۱۳۶۸.
- ۴۷- نوری الطبرسی، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، جلد ۱۵، طبعة الاولى، الاحیاء تراث، قم، ۱۴۰۷ ق.